

تنہا یک

خدا

ہست...

**تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز
تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن
انسان که مسیح عیسی است؛ او که با
دادن جان خود، بهای رهایی جمله آدمیان
را پرداخت، بر این حقیقت در زمان مناسب
شهادت داده شد. (اول تیموتائوس ۲: ۵-۶)**

تنها یک خدا هست

همه چیز با خدا شروع می شود و بسیار مهم است که ما فهمی درست از آن موجود بزرگ و پر عظمت داشته باشیم، از کسی که خالق ماست و برپادارنده این دنیای بزرگ است که در آن اراده ابدی او در حال انجام شدن است. او خدای باجلال شکوهمند، دارای لطف غیرقابل درک و پاکی مطلق، از نظر وجودی ابدی، در همه اموری که انجام می دهد عادل و در فرامین خود غیرقابل تغییر است. او برای همه انسانها خدای مهربانی و حقیقت است و همه انسانها در برابر او پاسخگو هستند. پاسخگو در برابر خدای راستی و راستین که خود را به مخلوقات خود در اعصار مختلف آشکار کرده است، حال آنکه بشر همواره اختیار کرده است که از او غفلت کند و به خود تلقین کند که اساسا خدایی وجود ندارد.

این خدای کتاب مقدس است که خود را در آن بصورت سه شخصیت پدر، پسر و روح القدس آشکار کرده است، در ذات و اراده یکسانند و در عین حال متفاوت در وجودند. این سه شخصیت خداوند خواهان پاکی ابدی برای بشر است، بشری که با ابعاد وجودی خاصی در زمین، با همه خصوصیت ها و مسئولیت های اخلاقی و معنوی و فکری زندگی می کند.

بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد

از این عبارت چندین حقیقت بدست می آید که در کتاب مقدس بارها تکرار شده است که بسیار مهم اند:

• دشمنی ای بین خدا و بشر وجود دارد که باعث عدم همدلی و

پیوند بین آنها شده است. بردباری و شکیبایی خداوند در مقابل گناهان، بی خردی و سرکشی مان قرار گرفته است. این بشر است که مقصر است و نیاز به بخشایش و مصالحه با خدا دارد^(۱).

• تنها مصالحه ای که بین خداوند و انسان می تواند برقرار شود، از طریق واسطه ای مناسب است که از طرف خدا و انسان عمل می کند. هیچ راه دیگری وجود ندارد.

• ابعاد قضایی در این واسطه گری وجود دارد. هیچ مبنایی برای سازش نیست. داوری باید حتما انجام شود.

وظیفه واسطه کار بی ارزشی نیست، بخصوص وقتی مسئله ای به این بزرگی در بین است، اگر واسطه نباشد نتایج دهشتناکی برای خاطیان به بار خواهد آمد. آن واسطه باید زحمت بسیاری متحمل شود تا بصورت دقیق جزئیات را بکاود و به هر دو طرف ماجرا پاسخهای مناسب بدهد، بخصوص هنگامیکه سازش بین دو طرف باید بر اساس شرایط صلحی ابدی و نه شکننده استوار باشد. بنابراین شخص واسطه و وظیفه محول شده به وی برای نیل به موفقیت بسیار مهم اند. آن واسطه (یعنی مسیح) باید کاملا مناسب این وظیفه بزرگ واسطه گری باشد.

آن انسان که مسیح عیسی است

کسانی که وقت بگذارند و کتاب مقدس را بخوانند درخواهند یافت، آن شخصی که موضوع صفحات این کتاب است، از کتاب پیدایش (که اولین کتاب در کتاب مقدس است) قبل از تولدش تا کتاب مکاشفه (که آخرین کتاب در کتاب مقدس است)، به عنوان پیروز نهایی بر حاکمیت انسان معرفی می شود. سخنان بسیاری در مورد این شخص منحصر بفرد می توان گفت، ولی هنوز محدودیت فضا برای بیان آن وجود دارد، کسی که در او "همه گنجهای حکمت و معرفت نهفته است"^(۲).

کتاب مقدس برای ما روشنگری می کند که "خدا در جسم ظاهر شد"^(۳)، پسر ابدی او که انسان واقعی شد، بدون ذره ای از گناهی که در آدم اول بشر بود. اگر روایت های انجیل خوانده شوند، مشخص می شود که او چه نوع شخصی بوده است؛ نوع دوست، بدون تکبر یا نخوت، پاک و آرام، دارای قدرتی که به مردگان جان می داد و بیماری

ها را از بین می برد. این همه در حضور خداوند پدر انجام شد و ثابت می کند که او قادر است تا واسطه بین خداوند و انسان باشد...

با دادن جان خود، بهای رهایی جمله آدمیان را پرداخت

بهای زیادی بابت رهایی پرداخت شده است که خود واسطه یعنی مسیح عیسی پرداخت کرده است. دادن جان او برای گناهان انسان ضروری بود، مسیح جان خود را داد و خون باارزش خود را با مرگی شرم آور بر صلیب ریخت تا صلحی را مقدر کند که بر آن اساس داوری درست ادا شود، "**بهای رهایی برای همه** (انسانها)"، به نمایندگی از تمام انسانها، صرفنظر از نوع نژاد، زبان، نوع جنسیت یا سن. او جان خود را داد؛ او تسلیم دشمنان خود نشد، گرچه از طریق دخالت آنها شرایط به نحوی بوقوع پیوست که قبلا در کتاب مقدس پیشگویی شده بود^(۴). مسیح دشمنان خود را دوست می داشت و آنها را دوست می کرد، اما تعداد کمی این مصالحه و دوستی را بر این اساس می خواهند. بسیاری اساسا خواهان هیچ مصالحه ای با خداوند نیستند؛ انتخاب آزاد است. راه دیگری وجود ندارد. او خودش این را گفته، "**من راه و راستی و حیات هستم: هیچ کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی آید**"^(۵).

بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد

حدود دو هزار سال است که به این کار بزرگ، یعنی واسطه بودن مسیح، در بین ملل مختلف شهادت داده می شود. بسیاری آن را شنیده اند، گناهان خود را ترک کرده اند و به او ایمان آورده اند تا حضور خداوند را در قلب خود تضمین کنند که باعث می شود برای خدا زندگی کنند و از مشارکت و مصاحبت و رفاقت با او لذت ببرند. کتاب مقدس به ما هشدار می دهد، برای اینکه انسانی در روز بزرگ داوری بدون واسطه یعنی مسیح در حضور خداوند باشد، بی خردی است و باعث رفتن ابدی به جهنم می شود؛ و حس ضرر و غم آن فراوان است. در عین حال مسیح برای صلح ما با خدا، جان خود را داد و از مردگان برخاست. خود وی در مورد کسانی که به او ایمان می آورند گفته است، "**حقانیت حکمت را همه فرزندان آن به ثبوت می رسانند**"^(۶).

منابع استفاده شده از کتاب مقدس: (۱) رومیان ۵: ۱۲؛ (۲) کولسیان ۲: ۳؛ (۳) اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ (۴) مرقس ۱۰: ۳۳-۳۴؛ (۵) یوحنا ۱۴: ۶؛ (۶) لوقا ۷: ۳۵.